

بررسی نسبت دموکراسی و توحید حاکمیت از دیدگاه اسلام‌گرایان معاصر

محسن عبدالملکی*

مهدی فرمانیان**

محمد معینی فر***

سید حسن آل مجدد شیرازی****

چکیده

همه اسلام‌گرایان به اصل توحید حاکمیت معترف‌اند؛ لکن در نسبت‌سنجی رابطه دموکراسی با آموزه‌های اسلام، منازعات و چالش‌های مهمی میان آنها رخ داده است. برخی از اسلام‌گرایان، مطلق دموکراسی را ناقض توحید حاکمیت دانسته‌اند و برخی دیگر، ضمن نفی دموکراسی غربی، از امکان جمع میان روش دموکراسی با توحید حاکمیت، سخن گفته‌اند. واکاوی این منازعه این نتیجه را به دست می‌دهد که اختلاف، زائیده ابهام در مفهوم دموکراسی است. گروه‌های وهابیت، القاعده و داعش بر این باورند که سکولاریسم، انسان‌محوری و قبول بی‌قید و شرط خواست اکثریت، به مثابه رکن، جوهر و ذاتی دموکراسی‌اند و پیراستن و انفکاک آنها از دموکراسی امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین دموکراسی، متعین در نسخه دموکراسی غربی است و دموکراسی اسلامی امکان‌پذیر نیست. در مقابل برخی از اسلام‌گرایان گفته‌اند: مشارکت و نقش‌آفرینی مردم در حکومت، جوهر دموکراسی است و هیچ‌یک از سه عنصر مذکور در موضوع‌له دموکراسی اخذ نشده است؛ بنابراین، دموکراسی غربی صرفاً مصداقی از دموکراسی است. در نتیجه باید گفت، ابهام در مفهوم دموکراسی، منشأ اختلاف و منازعه لفظی و غیر حقیقی اسلام‌گرایان در نسبت‌سنجی رابطه

* دانشجوی دکتری رشته وهابیت‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم. (نویسنده مسئول).

** دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی.

*** استادیار گروه مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی.

**** عضو هیئت علمی گروه مذاهب کلامی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی.

دموکراسی با توحید حاکمیت شده است.
کلیدواژه‌ها: دموکراسی، توحید حاکمیت، اسلام‌گرایان، داعش، القاعده، وهابیت.

مقدمه

در قرن ۱۹ میلادی، مفهوم دموکراسی به‌عنوان یکی از مفاهیم وارداتی غربی و مدرنیسم، به جهان اسلام وارد شد و در کانون توجه اندیشمندان و روشنفکران مسلمان قرار گرفت. این واژه وارداتی در جهان عرب، اندکی تغییر ظاهر پیدا کرد و با عنوان دیمقراطیه رواج یافت^۱ و با پاسخ‌ها و واکنش‌های مختلفی از سوی مسلمانان مواجه شد و همچنان در تداوم است؛^۲ گرچه گذشت زمان، ابعاد گسترده‌تری به پاسخ‌ها بخشیده؛ لکن مواضع اصلی، همان‌هاست.

جریان‌های اسلام‌گرا با وجود وحدت نظر در محوریت و پاسخگویی اسلام به تمام نیازها و جوانب زندگی بشر، در واکنش به دموکراسی، پاسخ‌های متضادی ارائه کردند. این تضاد تا جایی است که این گروه‌ها مخالفین خود را با عناوین و مفاهیم مذموم شرعی همچون کافر، مشرک و خوارج یاد می‌کنند.

گروه‌های وهابیت، القاعده، داعش، اخوان المسلمین و اسلام‌گرایان شیعه از جمله گروه‌های اسلام‌گرای معاصر هستند که بیش از دیگر گروه‌ها در خصوص دموکراسی سخن گفته‌اند. نسبت دموکراسی با توحید حاکمیت، محوری‌ترین جزء سخنان و پاسخ‌های ارائه‌شده است؛ از این رو، پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی اسلام‌گرایان معاصر در خصوص نسبت دموکراسی در دو دسته، قابل ارائه است:

۱. نفی مطلق دموکراسی بر پایه تضاد جوهری دموکراسی با توحید حاکمیت.
۲. پذیرش دموکراسی، روش و ردّ دموکراسی دین.

۱. جهانبخش، فروغ، اسلام دموکراسی و نوگرایی دینی در ایران از بازرگان تا سروش، ص ۵۰-۴۸؛ توکلی، یعقوب، اسلام‌گرایی در مصر، ص ۱۶.
۲. معتز بالله عبدالفتاح در کتاب المسلمون و الدیمقراطية، صفحات ۶۸ و ۶۹ نمودار و جدولی از پاسخ‌های مختلف طیف‌های مختلف مسلمان نسبت به دموکراسی تهیه کرده است که برای محققین، مفید است.

دسته اول: نفی مطلق دموکراسی و تضاد ذاتی دموکراسی با توحید حاکمیت

وهابیت، القاعده، داعش و حزب التحریر^۱ از جمله مهم ترین مخالفین دموکراسی اند. این گروه‌ها دموکراسی را مصداق کفر و طاغوت می‌دانند.^۲ آنها میان دموکراسی و کفر، پیوندی ناگسستنی دیده و بر این باورند که اسلام و دموکراسی، دو دین متضاد هستند.^۳ پرتکرارترین سخن گروه‌های وهابیت، القاعده و داعش در مخالفت با دموکراسی، ادعای تضاد ذاتی و جوهری دموکراسی با توحید حاکمیت است و پذیرش دموکراسی به منزله ارتکاب کفر اکبر و خروج از دایره اسلام است.^۴ مفتیان وهابی^۵ ضمن دفاع تمام‌قد از حکومت پادشاهی و صدور حکم و جوب اطاعت از پادشاهان، به حرمت، کفر و شرک بودن دموکراسی فتوا داده‌اند.^۶ مفتیان وهابی نسبت به دموکراسی، آن قدر بدگمان‌اند

۱. حزب التحریر در مخالفت با دموکراسی کتب و جزوه‌های مختلفی نوشته و نشر داده است. برای مثال، رساله «الديمقراطية نظام كفر، يحرم أخذها أو تطبيقها أو الدعوة إليها» از جمله رسائل حزب التحریر است که در پایگاه اینترنتی رسمی این حزب، بارگذاری شده و قابل دسترسی است و همان‌طور که از عنوان این رساله پیداست، دموکراسی از دیدگاه حزب التحریر، ساختاری کفری است.

۲. محمد ابورمان، الاصلاح السياسي في الفكر الاسلامي، ص ۲۶۳-۲۶۱؛ عبدالعزيز عبدالسلام، الدين والدولة في الاسلام، ص ۴۷۵.

۳. «شفيق محسن معتقد است: دموکراسی غربی به هیچ وجه قابل انفکاک از سکولاریسم نیست. سکولاریسم هم به هیچ وجه با اسلام سازگار نیست؛ بنابراین دموکراسی غربی، به هیچ وجه با اسلام، قابل جمع نیست». (عبدالرحمن مصطفی، الديمقراطية وعلاقتها بالاسلام، ص ۲۱-۱۳).

۴. «نورالدین قوطیط معتقد است: دموکراسی و سکولاریسم، رابطه جوهری و عمیق دارند؛ طوری که این دو از هم قابل انفکاک نیستند. بر این اساس، دموکراسی با اسلام در تناقض است. الديمقراطية والعلمانية بينهما ارتباط عضوي، ومن هنا، فهما عمليا نقيضان للإسلام».

<https://t.me/qtnour۱۲۳/۳۱۷۹>

۴. ابونصر محمد بن عبدالله الامام، تنوير الظلمات كشف مفاصد وشبهات الانتخابات، ص ۱۷؛ النبأ، شماره ۱۲۸، ص ۲.
۵. برخی از مبلغان وهابیت در مصر همچون یاسر برهامی و عبدالمنعم شحات در چرخشی غافلگیرکننده پس از سال‌ها غیبت در فضای سیاسی به فعالیت‌های حزبی و مشارکت‌های سیاسی روی آوردند و نوعی از دموکراسی را پذیرفتند. در آینده ممکن است این چرخش و تغییر فکر، این گمانه را در دل مخاطبان تقویت کند که مخالفت وهابیت با دموکراسی مسئله اصلی نیست؛ بلکه مسئله‌ای فرعی و قابل اغماض است که در آینده ممکن است سنگ بنای تغییرات فراوانی در سلفیت وهابی شود. (نک: محمد ابورمان، السلفيون والربيع العربي، ص ۱۳۴-۱۳۲).

۶. وهابی‌ها از سرسخت‌ترین گروه‌های اسلامی مخالف مدرنیسم‌اند. آنها بدون هیچ‌گونه مسامحه و مصلحت‌گرایی، ارزش‌های دنیای مدرن را نفی و رد می‌کنند. (جمعی از نویسندگان، اطلس رهبران، ص ۲۱۳)؛ مقبل الوادعی بر این باور بود که دموکراسی کفر و طاغوت است؛ اگر کسی به حقانیت دموکراسی ایمان داشته باشد، گمراه و در برخی موارد، کافر است؛ از این رو کفر به دموکراسی را بر مردم واجب می‌دانست. (تحفة المجيب علی أسئلة الحاضر والغریب، ص ۷۲، ۲۵۹، ۲۷۳)؛ علی بن خضیر، پارلمان را به دلیل قانون‌گذاری، تشریح و حکم به غیر ما انزل الله، مکان کفر و شرک می‌داند. (علی بن خضیر، تیسیر العزیز الحمید شرح کتاب الحقائق فی التوحید، ص ۱۲۸)؛ سفر الحوالی معتقد است،



که در انتخاب میان حکومت پادشاهی و حکومت دموکراسی اسلامی، حکومت پادشاهی را بر حکومت دموکراسی اسلامی ترجیح می‌دهند. اینان تصور می‌کنند اسلام با حکام پادشاهی و حکام مستبد، سازگار و قابل جمع است؛ اما با حکومت دموکراسی اسلامی به هیچ وجه سازگار نیست.^۱ ابومصعب زرقاوی، بنیان‌گذار شاخه القاعده در عراق و پدر معنوی داعش معتقد بود هر کسی که در برپایی نظام دموکراسی، کمک و یاری برساند، مشرک و مرتد است و حکم او با حکم کسانی که نامزد انتخابات شده یا برگزارکننده انتخابات هستند، هیچ تفاوتی ندارد؛ زیرا همه‌شان برای خداوند در ربوبیت و تشریح، شریک قرار داده‌اند.^۲ داعش نیز همواره در تولیدات متنوع مکتوب و مصورش از دموکراسی به عنوان دین کفر و شرک، یاد کرده است.^۳ ابومصعب زرقاوی و داعش نه تنها نمایندگان و منتخبان برآمده از دموکراسی را مشرک و ارباب «من دون الله» خوانده‌اند؛ بلکه صرف مشارکت در روند انتخاب و رأی‌گیری را ناقض توحید و شهادتین پنداشته‌اند.^۴ گروه‌های نامبرده معتقدند، کسانی که دموکراسی را به دلیل مصلحت یا ضرورت یا از سر جهل، تجویز کرده‌اند، گمراه می‌باشند؛^۵ لکن کسی که بدون عذر،

دموکراسی هیچ اصل و جایگاهی در اسلام ندارد و کفر و شرک است. (حکم الإحتفال بأعیاد الکفار، ص ۳۶؛ الحوالی... ثمرات التقوی، ص ۲۹؛ مقبل الوادعی، قمع المعاند و زجر الحاقد الحاسد، ص ۲۳۰-۲۲۰؛ مقبل الوادعی، تحفة المصیب، ص ۴۳۱؛ یحیی الحجوری، المبادئ المفیدة، ص ۴۵؛ خالد العنبری؛ فقه السیاسة الشرعیة، ص ۱۳ و ۱۴ و ۲۱۲؛ عزمی بشارة، فی الاجابة عن سوال ما السلفية، ص ۸۳-۸۲).

۱. وهابیت تصور کرده خلافت خلفای اربعه، بیان‌گر کیفیت حکومت و روش‌های تصدی حکم است. بر این اساس خلفا بر حسب معیارهای اسلامی به قدرت رسیده بودند و پس از رسیدن به قدرت، شریعت اسلامی را به صورت کامل اجرا کردند. این درحالی است که تاریخ، عکس این مطلب را ثابت می‌کند. (احمد الکاتب، التطور الفکر السیاسی السنی نحو خلافة ديمقراطية، ص ۱۳ و ۲۴۹).

۲. «فکل من یسعی فی قیام هذا المنهج بالمعونة و المساعدة فهو متول له و لأهله و حکمه حکم الداعین الیه و المظاهرین له؛ و المرشحون للانتخاب هم ادعاء للربوبية و الألوهية و المنتخبون لهم قد إتخذوهم أربابا و شرکاء من دون الله و حکمهم فی دین الله الکفر و الخروج عن الإسلام». (النبأ، شماره ۱۲۸، ص ۲).

۳. «فکل من یسعی فی قیام هذا المنهج بالمعونة و المساعدة فهو متول له و لأهله و حکمه حکم الداعین الیه و المظاهرین له؛ و المرشحون للانتخاب هم ادعاء للربوبية و الألوهية و المنتخبون لهم قد إتخذوهم أربابا و شرکاء من دون الله و حکمهم فی دین الله الکفر و الخروج عن الإسلام». (النبأ، شماره ۱۲۸، ص ۲).

۴. انتخابات کفر است، ص ۲۱.

۵. «الديمقراطية تعني حاکمية الشعب بديلاً عن حاکمية الله وهذا کفر ورده، أما من يريد استخدامها کوسيلة لتحکيم الشرع كما تفعل بعض الجماعات بدعوى الضرورة أو المصلحة فهذا خطأ وضلال كما أنه يؤدي إلى إضلال المسلمين ولا إكراه في إضلال، لکن هذا التاويل عذر يمنع لحقوق الکفر بمن يفعل ذلك وإن كان يأتئم لإضلاله المسلمين.»

دموکراسی را مجاز بدانند، قطعاً کافر و مشرک است.^۱ وهابیت، القاعده و داعش می-گویند: «امروزه دموکراسی از بزرگ‌ترین و دامن‌گیرترین فتنه‌ها در میان مسلمانان است.»^۲ در اسلام، طرق تولی حکم و قدرت بیان شده است و در میان این طرق، خبری از روش دموکراسی و انتخابات عام نمی‌توان یافت.^۳

ادله اسلام‌گرایان مخالف دموکراسی

گروه‌های وهابیت، القاعده و داعش برای اثبات ادعای خود، مبنی بر تعاض دموکراسی با توحید حاکمیت به یک دلیل مهم تمسک کرده‌اند.

۱. تعیین و انحصار مفهوم دموکراسی در مصداق دموکراسی غربی

سید امام شریف^۴ بر این باور است که دموکراسی از الفاظ شرعی نیست؛ بنابراین تنها از راه عرف^۵ و رجوع به واضعان آن می‌توان به معنایش پی برد. عرف و واضعان واژه دموکراسی، از این واژه، چیزی جز الوهیت بخشی به مردم به جای سیادت و الوهیت الله،

۱. «الديمقراطية كفر وشرك بالله تعالى لأنها تجعل الحكم والتشريع للبشر من دون الله وهي تناقض شرط الاتقياد لأوامر الله من شروط لا إله إلا الله، ومن يشارك فيها ويعلم معناها فهو كافر، أما إن شارك فيها جاهلاً بأن معناها إعطاء التشريع لغير الله وتسونج الحكم بالقانون الوضعي فهذا يعدر بجعله.» <https://t.me/c/1406908242/2939>

۲. احمد ولد الكوري العلوي الشنقيطي، فتنة الديموقراطية، ص ۳.

۳. عبدالرحمن مصطفى، الديمقراطية وعلاقتها بالاسلام، ص ۱۴.

۴. سید امام شریف از چهره‌های شاخص افغان‌العرب و نسل پیشگام القاعده بوده و از جایگاه ویژه‌ای نزد القاعده برخوردار است. آثار و دست‌نوشته‌های او به‌عنوان متن عقیدتی در معسکرات و پایگاه‌های آموزشی افغان‌العرب و القاعده تدریس می‌شد و می‌توان از او به‌عنوان مدوّن عقیده القاعده یاد کرد.

۵. ابن تیمیه درباره معانی اسما گفته است: راه‌ها و ابزارهای شناخت معانی اسما سه نوع است: شرع، لغت، عرف. بر این اساس، معانی اسما بر سه نوع است: نوع اول آن دسته از اسمانی هستند که معانی آنها به‌وسیله شرع شناخته می‌شود. برای مثال، صلاة و زکاة از الفاظی‌اند که شناخت معنای آنها متوقف بر بیان شرع است. نوع دوم آن دسته از اسمانی که معنای آنها به‌وسیله لغت شناخته می‌شود؛ مانند اینکه برای شناخت معنای شمس و قمر و ارض کافی است به کتب لغت مراجعه کنیم. سومین راه شناخت معنای اسامی، عرف است. برای مثال، معنای معروف در آیه شریفه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» به‌وسیله عرف شناخته می‌شود. ابن‌قیم نیز نظیر این سخن را دارد. وی گفته است: مفتی در ابواب اقرار و قسم و وصایا و... نباید بر اساس فهم شخصی خودش قضاوت کند؛ بلکه بر او لازم است عرف اهل آن زبان را بشناسد و این نوع از عبارات و صیغه‌ها و اسلوب‌های رایج میان مردم را بر عرف آنان حمل کند نه بر عرف خودش. قال ابن تیمیه، قال الفقهاء: الأسماء ثلاثة أنواع: نوع يُعرف حدّه بالشرع كالصلاة والزكاة، ونوع يُعرف حدّه باللغة كالشمس والقمر، ونوع يُعرف حدّه بالعرف، كلفظ القبض ولفظ المعروف في قوله «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (النساء، ۱۹). (مجموع الفتاوى، ج ۱۳، ص ۲۸؛ ج ۷؛ ص ۲۸۶؛ ج ۱۹، ۲۳۵). «قال ابن القيم - في أحكام المقتني - [لا يجوز له أن يفتي في الإقرار و الأيمان والوصايا وغيرها مما يتعلق باللفظ بما اعتاده هو من فهم تلك الألفاظ دون أن يعرف عرف أهلها والمتكلمين بها فيحملها على ما اعتاده وعرفوه وإن كان مخالفا لحقائقتها الأصلية، فمتى لم يفعل ذلك ضلَّ وأضلَّ]». (ابن‌قیم، إعلام الموقعين عن رب العالمين، ج ۴، ص ۱۷۵)



سکولاریسم، اومانیسم و پذیرش بی‌قید و شرط رأی اکثریت اراده نکرده‌اند؛ بنابراین پیراستن آنها از دموکراسی ممکن نیست. در نتیجه باید گفت، تعارض دموکراسی با توحید حاکمیت، ذاتی و جوهری است و هرگونه تلاش برای جرح و تعدیل دموکراسی یا جمع میان دموکراسی و ارزش‌های اسلامی، کاری لغو و بی‌ثمر است.^۱

۲. دین بودن دموکراسی

القاعده، داعش و وهابیت، دموکراسی را صرفاً یک فرم و روش، یا فرم قابل انفکاک از معنا نمی‌دانند. آنها معتقدند سکولاریسم و لیبرالیسم از ذاتیات دموکراسی است که به هیچ وجه از آن جدا نمی‌شود. بر این اساس، اضافه دموکراسی به اسلام، به مثابه قراردادن سر خوک بر پیکر گوسفند است؛^۲ زیرا دموکراسی صرفاً یک وسیله نیست؛ بلکه یک منهج غربی مبتنی بر اصول و ریشه‌های خاصی است که دین را به رسمیت نمی‌شناسد و به مردم، الوهیت می‌بخشد. صرف موافقت دموکراسی با بعضی از امور اسلامی، مجوز شرعی پذیرش دموکراسی نیست.^۳

دسته دوم: نفی دموکراسی غربی و امکان‌پذیری جمع میان دموکراسی و توحید

حاکمیت

دسته‌ای از اندیشمندان مسلمان، دموکراسی غربی را صرفاً به‌عنوان مصداقی از مصادیق مفهوم عام دموکراسی برآورد کردند؛ و بی‌اعتنایی به عمومیت دموکراسی و پنداره تعیین انحصاری آن بر مصداق دموکراسی غربی را مهم‌ترین و سرآغاز خطای راهبردی گروه‌های وهابیت، القاعده و داعش در مخالفت با دموکراسی خواندند. این دسته از اسلام‌گرایان، دموکراسی غربی را با آموزه‌های اصلی و فرعی دین اسلام در تضاد دیدند؛ لکن بر این باور بودند که این تضادها ناشی از ذات دموکراسی نیست؛ بلکه عرضی بوده و پیامد ساختار غربی آن است. بر همین اساس ضمن اعتراف به نقایص و خطاهای

۱. فهد صالح العجلان، الانتخابات وأحكامها في الفقه الإسلامي، ص ۴۶۵-۴۶۴. سید امام شریف، الجامع في طلب العلم الشريف، ج ۱، ص ۱۶۶.

۲. ابوقتاده فلسطینی در این باره نوشته است: «المشكلة أنه لا يوجد إجراء بلا تصور عقائدي، وحال البعض هنا هو تركيب رأس خنزير على بدن خاروف، ثم يقع مشايخنا في حكم هذا المشيا، وبعضهم يرضى نصفه فقط وكأنه يمكن الفصل بين المكونين».

<https://t.me/c/1406980242/2926>

۳. فهد صالح العجلان، الانتخابات وأحكامها في الفقه الإسلامي، ص ۴۶۵-۴۶۴.

دموکراسی غربی، برای اصلاح و پیرایش آن تلاش کردند و در نهایت بر این باور شدند که پس از زدودن نقایص دموکراسی غربی، ملاحظه برخی خط قرمزها و قرارداد آن در چارچوب دین اسلام نه تنها می‌توان آن را پذیرفت؛^۱ بلکه می‌توان با استفاده از مزایای این دو، نظام متکامل دموکراسی اسلامی را بنا نهاد و از آن به‌عنوان راه چاره‌ای برای رهایی از ظلم پادشاهان و حکام مستبد استقبال کردند.^۲ دارالافتاء الازهر دموکراسی اسلامی را منطبق با مفهوم شوری و به‌مثابه تن و جسدی که روح اسلام آن را دربرگرفته؛ توصیف کرد.^۳ در ایران، اسلام‌گرایان شیعه پس از شکست نظام شاهنشاهی، نظام جمهوری اسلامی ایران را تأسیس کردند. امام خمینی علیه السلام و ایده‌پردازان انقلاب اسلامی ایران بر این باورند که دموکراسی در محدوده شرع و چارچوب حاکمیت «الله» پذیرفتنی است، نه مطلق و نامحدود؛^۴ اما اگر معنای دموکراسی در قانون‌گذاری آن است که هر چه خواست اکثریت مردم، یعنی ۵۰ درصد به اضافه یک رأی، به آن تعلق گرفت قانون معتبر رسمی و واجب‌الاتباع باشد؛ ولو آنکه خلاف قرآن باشد؛ البته این با اسلام سازگار نبوده و پذیرفتنی نیست.^۵ حزب‌الله لبنان هم به‌عنوان یک سازمان شیعی اسلام‌گرا راه اسلام‌گرایان شیعی ایران را ادامه داد؛^۶ البته پیروان این طریقه در پذیرش مشروط

۱. الازهر، محمد عبده، محمد رشید رضا، مودودی، حسن البنا، یوسف قرضاوی، محمد عماره، حسن الترابی، راشد الغنوشی، محمد سلیم العوا، هشام مصطفی عبدالعزیز، امیر شکیب ارسلان، عباس محمود عقاد از جمله کسانی بودند که سازگاری دموکراسی با اسلام را تأیید کردند. آنان معتقد بودند جوهر دموکراسی، مبارزه با دیکتاتوری و مشارکت دادن مردم در نصب و عزل حاکم است که البته این امر نه تنها هیچ مخالفتی با اسلام ندارد؛ بلکه در جوهره دین وجود دارد و اسلام نیز بدان توصیه کرده است. (یوسف قرضاوی، من فقه الدولة فی الاسلام، ص ۱۳۲؛ یوسف قرضاوی، بینات الحل الإسلامی و شبهات العلمائین و المتغربین، ص ۱۶۶؛ حیدر ابراهیم علی، التيارات الإسلامية و قضية الديمقراطية، ص ۲۰).

۲. نظام استبداد و حکام مستبد و دیکتاتور یکی از عوامل عقب‌ماندگی مسلمانان بوده است. اندیشمندان اهل سنت به این مطلب پی برده و به دنبال تحول فرهنگی در این باره برآمدند. فکر اصلاح نظم سیاسی با استفاده از روش دموکراسی، بر پایه مفاهیم فقهی اهل سنت، برای اولین بار توسط اندیشمندانی همچون سید جمال‌الدین، محمد عبده و رشید رضا مطرح شد. (احمد الکاتب، التطور الفکر السياسي السنی نحو خلافة ديمقراطية، ص ۱۶).

۳. الديمقراطية نظام للحکم یجسد مبادئ الإسلام السياسية في اختیار الحاكم وإقرار الشوری.

<https://www.dar-alifta.org/ar/ViewVideo.aspx?CatID=۳۵&ID=۲۶۷۴&>

الديمقراطية نظام للحکم یجسد مبادئ الإسلام السياسية في اختیار الحاكم وإقرار الشوری

۴. برنجکار، رضا، درس توحید، ص ۱۱۶.

۵. امام خمینی علیه السلام درباره حکومت اسلامی فرمودند: «حکومت اسلامی، یعنی مبتنی بر عدل و دموکراسی و متکی به قواعد و قوانین اسلامی». (صحیفة نور، ج ۳، ص ۲۸۶).

۶. شیخ نعیم قاسم، از اعضای حزب‌الله لبنان درباره نسبت دموکراسی با اسلام نوشته است: «اسلام، اصول و قواعدی را



دموکراسی، یکسان نبوده‌اند. آنها گاه دموکراسی را به‌عنوان استراتژی پذیرفتند و گاه به‌عنوان تاکتیک. همچنین قائلین به جواز دموکراسی اسلامی، ادله و تقاریر مختلفی، بر مدعای خود بیان کرده‌اند. بعضی دموکراسی را از مصادیق مصالح مرسله برشمردند و بعضی دموکراسی را مصداق مفهوم شورا دانستند. زیاد ابو غنیمه از اعضای اخوان المسلمین در اردن گفته است: «دموکراسی برای ما یک تاکتیک نیست؛ بلکه یک استراتژی است.»^۱

ادله اسلام‌گرایان موافق دموکراسی اسلامی

گروه‌های اسلام‌گرای موافق دموکراسی اسلامی نیز برای اثبات ادعای خود مبنی بر امکان جمع میان دموکراسی و توحید حاکمیت به ادله شرعی استدلال کرده‌اند. این دسته از ادله را به‌عنوان پاسخ و رد سخنان اسلام‌گرایان مخالف دموکراسی اسلامی نیز می‌توان تلقی کرد.

۱. مقومات و عناصر ذاتی دموکراسی

سید امام شریف با استناد به سخنی از ابن تیمیه روش شناخت معانی اسما را بیان کرد. ابن تیمیه معتقد است شرع، لغت و عرف، سه راه و ابزار شناخت معانی اسما هستند. برای مثال، لفظ صلاة و زکاة از الفاظی اند که شناخت معنای آنها متوقف بر بیان شرع است؛ لفظ شمس، قمر و ارض از الفاظی هستند که شناخت معنای آنها متوقف بر لغت است؛ اما شناخت معنای اراده‌شده از واژه معروف در آیه شریفه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» متوقف بر عرف است.

از آنجاکه ابن تیمیه در میان گروه‌های القاعده، داعش و وهابیت، به‌عنوان چهره‌ای مقبول و مرجع مورد اتفاق است، این سخن ابن تیمیه را می‌توان به‌عنوان ملاکی برای

درباره حاکم صالح قرار داد؛ اما درباره نحوه اداره دولت، عرصه را باز گذاشته است. انتخاب رئیس جمهوری می‌تواند مستقیماً از سوی مردم صورت گیرد یا از سوی مجلس نمایندگان یا به شیوه انتخاب نسبی؛ اما اسلام، چگونگی تشکیل دولت از لحاظ شکل، تعداد اعضا، کارکردها و تقسیم وظایف یا صلاحیت‌ها و اختیارات را به جامعه و نهاده است؛ همچنان‌که در روش تشکیل دولت - از راه رأی اعتماد مجلس نمایندگان به‌صورت فردی یا جمعی یا هر شکل دیگری - دخالت نکرده است و زمینه را برای انتخابی مناسب شرایط زمان و مکان فراهم آورده است. (شیخ نعیم قاسم، حزب‌الله لبنان خط مشی گذشته و آینده آن، ص ۴۰).

۱. احمدی، حمید، جامعه‌شناسی سیاسی جنبش‌ها، ص ۲۳۳؛ محمد ابورمان، من الخلافة الإسلامية الى الدولة المدنية، ص ۵۵.

شناخت معنای دموکراسی اخذ کرد. روشن است که دموکراسی از الفاظ شرعیه نظیر صلاة، صوم و زکاة نیست. در نتیجه برای شناخت آن نمی‌توان از شرع و دو منبع کتاب و سنت بهره برد؛ بنابراین دو راه عرف و لغت، تنها راه‌های شناخت معنای دموکراسی است. شناخت معنای دموکراسی از راه لغت به معنای مراجعه به کتب فرهنگ لغت و لغت‌شناسان است. این مطلب در بخش مفاهیم به قدر لزوم، تبیین شد که واژه دموکراسی که در فارسی به مردم‌سالاری ترجمه شده،^۱ واژه‌ای است یونانی *δημοκρατία* به لاتین *dēmokratía* و به معنای حکومت مردم، است. این واژه مرکب از دو واژه یونانی «دموس *demos*» به معنای مردم و «کراتوس *kratos*» به معنای حاکمیت و قدرت است.^۲ در معانی ارائه‌شده از سوی لغت‌شناسان در تعریف و تبیین معنای واژه دموکراسی به ترجیح بی‌قید و شرط خواست اکثریت اشاره نشده است. دموکراسی از راه عرف بدان معناست که به معنای اراده‌شده از واژه دموکراسی در نزد استعمال‌کنندگان این واژه مراجعه کنیم و ببینیم آنها از این واژه چه چیزی را قصد کرده‌اند یا آنکه ارتکاز ذهنی آنان چیست؟ دموکراسی از واژه‌های پرتکرار و کثیرالاستعمال در دانش سیاست است. در دانش سیاست، دموکراسی به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شود؛ سیاستمداران نیز در اجرای دموکراسی، روش‌های مختلفی را برگزیده‌اند؛ بنابراین دموکراسی در عرف علمی و اجرایی اهل سیاست، بسیار متنوع است. این تنوع، حاکی از گستردگی معنایی واژه دموکراسی یا ابهام و اجمال در معنای دموکراسی است. علاوه بر این، دانشمندان علم سیاست از واژه و اصطلاح دموکراسی تعریف یکسانی ارائه نکرده‌اند؛ اما در عین حال همگی بر نقش کلیدی مردم در این نوع از حکومت و ترجیح خواست اکثریت آنها تأکید می‌کنند؛ لکن سهم‌دادن به مردم و ترجیح خواست آنان لزوماً به معنای پذیرش بی‌قید و شرط خواست اکثریت نیست. این موضوع زمانی بهتر قابل تبیین و تصور است که می‌بینیم تعریف دموکراسی در هر جامعه‌ای مبتنی بر تعریف و شناخت فرد از جهان و انسان است.^۳ تعریف لیبرال‌ها از دموکراسی با تعریف

۱. بیات، عبدالرسول، فرهنگ واژه‌ها، ص ۲۷۰.

۲. علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ سیاسی آرش، ص ۲۸۴؛ مشکات، عبدالرسول، فرهنگ واژه‌ها، ص ۲۷۰؛ دائرة المعارف دموکراسی، ج ۲، ص ۷۰۰.

۳. دموکراسی اسلامی، یعنی انسان آزاد و دموکراسی الحادیه غربی به معنای حیوان رها شده است.

سوسیالیست‌ها متفاوت است و تعریف مسلمانان حامی دموکراسی از تعریف غربیان متفاوت است^۱ و حاکمیت اراده ملی در جامعه سکولار به شکلی متفاوت از جامعه دینی تبلور می‌یابد.^۲ بدین ترتیب با مبنا قرار دادن عرف به‌عنوان مبنای تشخیص معنای دموکراسی یا باید گفت درباره دموکراسی عرف‌های مختلفی وجود دارد یا آنکه باید گفت عرف یکی است؛ لکن دموکراسی را بسیار عام می‌داند؛ طوری که می‌تواند دارای انواع بسیار متضادی باشد، حکم عرف درباره معنای دموکراسی مطلق نیست؛ بلکه بستگی به معنا و تفسیری دارد که هوادارانش از آن اراده کرده‌اند. در واقع اصرار مخالفین دموکراسی بر مدلی واحد از دموکراسی و حصر و تعیین دموکراسی در آن مدل، حاکی از آن است که آنها در تلاش‌اند، نگاه خود را بر دیگران تحمیل کنند.

راشد الغنوشی در این باره گفته است:

اگر نظام دموکراسی توانسته است در چارچوب ارزش‌های مسیحی تعامل کند و نظام‌های مسیحی دمکراتیک را به‌وجود آورد یا در چارچوب فلسفه کمونیزم عمل کند و دموکراسی سوسیالیستی را پدید آورد یا در چارچوب ارزش‌های آیین یهود، دموکراسی یهودی را بسازد، آیا محال است که در چارچوب ارزش‌های اسلامی نیز برای پدیدآوردن دموکراسی اسلامی عمل کند؟

نگارنده چنین رویکردی دارد.^۳

مراجعه به عرف برای شناخت معنای دموکراسی این نتیجه به‌دست می‌دهد که مشارکت مردم در حکومت، هسته و وجه مشترک همه تعاریف دموکراسی است. تجربه حکومت جمهوری اسلامی ایران نشان داد که می‌توان در قالب دموکراسی تصرف کرد و دین را روح حاکم بر دموکراسی ساخت. یکی از خطاهای اسلام‌گرایان، بی‌توجهی نسبت به این مسئله است که نوازل و پدیده‌های نو، قابل تطوّر و تغییر هستند. گاه در ابتدا حکمی دارند؛ اما گذشت زمان موجب پیدایش تغییرات و بروز نسخه‌های جدیدی از آن پدیده می‌شود که تغییر حکم را در پی دارد؛ بنابراین باید از شتاب‌زدگی در صدور حکم بر موضوعات قابل تغییر و تطوّر، پرهیز کرد. به‌عنوان مثال، غالب فرق و مذاهب

۱. اصول و مبادی حکومت‌داری اسلامی بر جهان‌بینی و انسان‌شناسی دین مبین اسلام مبتنی است.

۲. تقوی، سید محمدناصر، دین و بنیادهای دمکراتیک، ص ۱۳۶.

۳. میر احمدی، منصور، اسلام و دموکراسی مشورتی، ص ۳۶۰.

فکری قابل تطوّر اند بسیاری از پیروان مذاهب نسبت به آرای بزرگان متقدمان هم‌مذهب خود، نقد و نظرهایی داشته و تغییر و تحولاتی را به‌وجود آورده‌اند. بر این اساس، حکم متقدمان و متأخران آن مذهب، متفاوت است.

همچنین عقل و عرف، این معنا را تأیید می‌کند که دموکراسی مطلق وجود ندارد. اگر قرار باشد خواست اکثریت، بلامنازع و بدون محدودیت باشد در این صورت، اکثریت خودش را جایگاهی ورای قانون قرار داده است و نقش مستبد^۱ را بازی می‌کند. این درحالی است که دموکراسی خواهان به‌دنبال فرار از استبداد به دموکراسی پناه آورده‌اند؛ چنانچه نتیجه دموکراسی، استبداد باشد به بیراهه و سراب افتاده‌اند؛ ازین‌رو لازم است ضوابط و سازوکاری برای تعیین محدود؛ تأثیرگذاری اکثریت تعیین کرد. تعیین ضوابط و محدودسازی اختیارات اکثریت، همان تقیید اکثریت است؛ بنابراین تقیید اکثریت، امری ضروری و ناگزیر است. همه دموکراسی‌ها مقید به قیودی هستند. همه حامیان دموکراسی، در پذیرش خواست اکثریت، خط قرمزهایی را لحاظ کرده‌اند. این خط قرمزها می‌تواند حق یا باطل باشد؛^۲ حتی دموکرات‌های سکولار که گاه با چالش تعارض دموکراسی و سکولاریسم مواجه می‌شوند برای حل تعارض، از مبنای دموکراسی دست کشیده و بر سکولاریسم حکومت پافشاری می‌کنند. این بدان معناست که گاه یکی از دو پایه، مهم‌تر از دیگری است. برای مثال اگر خواست اکثریت مردم فرانسه بر تصویب قانونی دینی همچون ممنوعیت تولید، فروش و استعمال مشروبات الکلی تعلق بگیرد بر مبنای دموکراسی، این خواست، مشروع بوده و باید تبدیل به قانون شود. این درحالی است که سکولاریسم به‌عنوان یکی از اصول حکومت‌داری، با این خواسته دینی مردم مخالفت کرده و مانع تصویب و حضور قانونی دینی در جامعه می‌شود. محققین بر این باورند که نسخه دموکراسی ایالت متحده آمریکا مبتنی بر قانون اساسی است که ماهیتش دموکراتیک نیست. حتی آنتیان هم سنتی شفاهی داشتند که فرآیند دموکراسی بر آن مبتنی بود.^۳ در

۱. مستبد، مایه هراس و وحشت دیگران است و قانون سرش نمی‌شود. دموکراسی اکثریت بدون قید و شرط همان استبداد مایه ترس و وحشت است. قانون باید جلوی زورگفتن اکثریت به اقلیت را بگیرد. (پال وودراف، نخستین دموکراسی چالش اندیشه‌ای از دوران باستان، ص ۸۸ و ۸۹ و ۲۴۷).

۲. فرض کنید ۵۱ درصد از مردم جامعه، خواستار قتل اقلیت ۴۹ درصدی شوند. طبیعی است که هیچ یک از نظام‌های دموکراسی، این خواسته اکثریت را نخواهد پذیرفت؛ زیرا قوانین و ضوابط حاکم بر نظام‌های سیاسی، پذیرش خواست اکثریت را مقید به قیودی کرده است.

۳. پال وودراف، نخستین دموکراسی چالش اندیشه‌ای از دوران باستان، ص ۲۵.



جامعه دموکراتیک اسلامی نیز پذیرش خواسته‌های اکثریت با محدودیت و خط قرمزهایی همچون مخالف نبودن خواسته‌های مردم با اوامر و نواهی الهی روبه‌روست.^۱ مسلمانان حامی دموکراسی، هیچ‌گاه در ذهن و زبانشان، حاکمیت خداوند را انکار نکرده‌اند؛ بلکه همواره بدین مطلب معترف‌اند که اولین و مهم‌ترین پایه حکومت اسلامی، حاکمیت الله است. به بیان دیگر باید در زیر لوای قوانین الهی برآمده از کتاب و سنت حکومت‌داری کرد؛^۲ اما این مسئله - که پذیرش خواسته‌های مردم مشروط به مخالفت نکردن با اوامر و نواهی الهی است - به قدری واضح است که بسیاری از مسلمانان حامی دموکراسی، آن را مفروغ‌عنه دانسته و درباره‌اش سخن نگفته‌اند.^۳

۲. امکان تطور و جرح و تعدیل مفهوم دموکراسی

موضوعات احکام دو دسته‌اند: برخی ثابت و تغییرناپذیرند؛ برخی قابل تغییر و تطوّرند. مفهوم دموکراسی، سیال و قابل تطوّر است.^۴ این مفهوم در طول تاریخ در مسیر تحول قرار گرفته و برداشت‌های متفاوتی از آن ارائه شده است تا جایی که برخی معتقدند دموکراسی همچون واژه «شیر» مشترک لفظی است.^۵ انعطاف‌پذیری، سیال و لغزان بودن

۱. حاکمیت و حکم منحصر به خدا است. همه افراد از رسول اکرم ﷺ گرفته تا خلفا و سایر افراد تا ابد، تابع حکم الله هستند؛ بنابراین باید از احکام خداوند متعال اطاعت و پیروی کرد و اطاعت از دیگران، مشروط به دستور خداوند متعال است؛ البته مقدار اطاعت انسان از انسان‌های دیگر هم معین و مرزبندی شده است؛ چنانکه در روایت آمده است: «لاطاعة لمخلوق فی معصیة الخالق» تا زمانی که با اطاعت از دیگر انسان‌ها به قوانین و حدود الهی آسیبی نرسد، می‌توان از احکام و دستورات آنها تبعیت کرد.

۲. مودودی، ابوالاعلی، الخلافة والملک، ص ۳۷.

۳. نگاه اسلام‌گرایان و سکولارها به مقوله دموکراسی، بسیار متفاوت است. در نظام‌های سیاسی غربی، مردم، پایه مشروعیت نظام‌اند؛ اما در نظام اسلامی، مردم، پایه مقبولیت نظام‌اند نه مشروعیت. پیامبر اکرم ﷺ با وجود دسترسی به وحی، نفوذ فوق‌العاده در میان مسلمانان و اینکه تمام تصمیماتش به سبب برخورداری از اعتماد عمومی با اقبال مردم مواجه می‌شد در بسیاری از کارهای مهم، مردم را در تصمیم‌گیری دخالت می‌داد. تعالیم اسلامی در مقایسه با دموکراسی غربی از سه حال خارج نیست: برخی از تعالیم دین اسلام، حامی دموکراسی غربی است، برخی بی‌طرف و ساکت است و دسته‌ای دیگر ناقض دموکراسی غربی‌اند. باورهایی همچون اصل کرامت انسان‌ها، مبارزه با ظلم و استبداد، تعایش و همزیستی مسالمت‌آمیز با مخالفان از جمله باورهای حامی و کمک‌کار دموکراسی غربی‌اند. باورهایی همچون تکفیر، ارتداد ناقض دموکراسی غربی‌اند و البته در برخی حوزه‌ها همچون عبادت‌های فردی دین ساکت است حمایت یا نقضی بر دموکراسی رخ نمی‌دهد. در نسخه دموکراسی اسلامی در تنازع اسلام و مدل دموکراسی غربی، حق با اسلام است.

۴. «دموکراسی، موجودی پویاست که با گذشت زمان، معانی مختلفی پیدا کرده است. بسیاری از جنبه‌های این پویایی به تغییرات در جامعه و تفسیرهای مختلف تحلیل‌گران از تأثیرات این تغییرات بر دموکراسی نسبت داده می‌شود و از آنجاکه جوامع در دنیای امروز به طرق مختلف توسعه می‌یابند، تعجب‌آور نیست که معنای دموکراسی همچنان موضوع بحث باشد». (غیور، سورنسن، الديمقراطية والتحول الديمقراطي، ص ۴۹).

۵. نک: مجله کتاب نقد، ش ۲۰ - ۲۱، علی رضا ذاکر اصفهانی، دموکراسی قدیم و جدید نقاط اشتراک و افتراق.

مفهوم دموکراسی، موجب شده تعریف واحد و مورد اتفاقی از دموکراسی در دست نباشد^۱ و هر یک از اندیشمندان، متناسب با جهان بینی، پیش فرض های فکری، ذوق و سلیقه شخصی خویش، از این مفهوم، برداشت خاصی ارائه دهد.^۲ دموکراسی، پدیده ای تطوّرپذیر و قابل جرح و تعدیل و اضافه است؛ گرچه امروز برای بسیاری از کشورهای عربی و مسلمان، دموکراسی تازگی دارد؛ اما در غرب، دموکراسی گونه های فراوانی به خود دیده و ادوار تاریخی متفاوت و گوناگونی را طی کرده است. وجود تفاوت میان نخستین نسخه دموکراسی با نسخه امروزی، گویای تطوّر و امکان جرح و تعدیل در دموکراسی است؛ البته تذکر این نکته لازم است که نسخه کنونی دموکراسی نیز نسخه نهایی و پایانی نیست و امکان تطوّر در آن همچنان باقی است.^۳ دموکراسی، پدیده و تجربه ای انسانی، قابل نقد، اخذ و اضافه است. این مطلب را غربی های حامی دموکراسی دریافته اند؛ زیرا بسیاری از آنان، به وجود نقص، عیب و آفت در نظام دموکراسی معترف اند و در عین حال برای دفع و رفع معایب و نقایص و رونمایی از نسخه ای کامل تر از دموکراسی در تلاش هستند. علی الصلابی، نویسنده اخوانی در این باره گفته است: «اخذ شیوه دموکراسی، همراه با ویرایش و ردّ و اضافه، از باب طلب حکمت است. کسی نمی تواند به ما بگوید تمام دموکراسی را بگیری یا تمام آن را رد کنی. دموکراسی یک تجربه بشری و قابل نقد و رد است.»^۴

گذشت زمان در مفهوم و شیوه اجرای دموکراسی تغییراتی را به وجود آورد.

ص ۲۶۵-۲۴۸.

۱. دموکراسی، مفهومی ثابت و متصلب نیست و در طول زمان بر اساس شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی متحول می شود. چنانکه مفهوم دموکراسی در یونان باستان با مفهوم نوین آن فرق دارد در آینده نیز ممکن است متحول شود. بی توجهی به این نکته مهم، آغاز راه مغالطه و اشتباه است که نه تنها جاهلان، بلکه گاه اهل تحقیق در دام آن افتاده اند؛ اما آنکه معتقد است دموکراسی پایان راه جرح و تعدیل و اضافه رسیده و دموکراسی غربی، نسخه نهایی و قطعی آن است، چنین شخصی دیگر نمی تواند از رابطه اسلام دموکراسی سخن بگوید؛ چراکه در این صورت، برخی از اصول و لوازم دموکراسی غربی با تعالیم اسلامی در تضاد خواهد بود. (ولید نویهض، العقد السياسي الاسلاميون والدولة والمسالة الديمقراطية، ۱۹۸۴-۱۹۹۶م، ص ۲۷؛ مختار الاسدی، الديمقراطية والدين و ولاية الفقيه، ص ۲۱).
۲. محمد حنیف طاهری، اسلام و دموکراسی لیبرال، ص ۲۶.
۳. نک: جمعی از نویسندگان، تجربه دموکراسی - اسلام دموکراسی و جهان عرب، ص ۸؛ ولید نویهض، العقد السياسي الاسلاميون والدولة والمسالة الديمقراطية، ۱۹۸۴-۱۹۹۶م، ص ۲۶.
۴. «الديمقراطية عند أهلها إنما هي تجربة إنسانية قابلة للنقد والأخذ والعطاء وهم معترفون بأن فيها عيوب ونقصان وآفات». (الشورى فريضة اسلامية، ص ۱۶۷).



برجسته‌ترین تغییر در نظریه و عمل دموکراسی، طی انتقال از دموکراسی مستقیم آتن به دموکراسی نمایندگان رخ داد.^۱ پال وودراف در کتاب نخستین دموکراسی به بررسی دموکراسی آتن به‌عنوان قدیمی‌ترین الگوی دموکراسی در تاریخ اروپا پرداخته و نوشته است:

امروزه بیشتر دموکراسی‌ها از الگوی آمریکایی پیروی می‌کنند. حقوق بشر را مبنای کار قرار می‌دهند؛ اما یونانیان باستان که مبتکر دموکراسی مرسوم در اروپای امروز بودند با مفهوم حقوق بشر بیگانه بودند. شهروندان حق داشتند حرفشان را به گوش انجمن مردمی برسانند؛ اما هرگز حق نداشتند حرفی بزنند که توهین به خدایان معبود آنان تلقی می‌شد.^۲

این سخن وودراف حاوی دو نکته بسیار مهم و کلیدی است: اول آنکه دموکراسی‌های غربی دارای مدل‌های متنوعی است؛ البته مدل آمریکایی از پیروان بیشتری برخوردار است. دوم آنکه دموکراسی یونان باستان با دموکراسی غربی و مدل آمریکایی متفاوت است. این بدان معناست که دموکراسی، تطور یافته است؛ پس این مفهوم و سازوکار آن، تطوری پذیر و قابل جرح و تعدیل است.

برنارد کریک، معتقد است مفهوم دموکراسی حدود مرزهایی دارد که گذشت زمان این مرزها را جابه‌جا کرده است. وی در این باره نوشته است:

این حدود مرزها را باید از منظری تاریخی در چهار کاربرد کلی یا مجموعه‌هایی از معانی منضم و ملحق به دموکراسی یافت. کاربرد نخست را در میان یونانی‌ها می‌یابیم. کاربرد دوم را می‌توان در جمهوری روم در اثر سترگ ماکیاولی گفتارها در جمهوری‌های قرن هفدهم انگلستان و هلند و در جمهوری اولیه آمریکا یافت. کاربرد سوم را در زبان بلاغی خطیبان و در رویدادهای انقلاب فرانسه و در نوشته‌های ژان ژاک روسو می‌توان یافت. چهارمین نوع کاربرد مفهوم دموکراسی در قانون اساسی آمریکا و در بسیاری از قانون اساسی‌های جدید اروپا در قرن نوزدهم و نیز در قانون اساسی‌های جدید آلمان غربی و ژاپن به‌دنبال جنگ جهانی دوم دیده می‌شود.^۳

برنارد کریک در ادامه نوشته است: «علم و دموکراسی با سیر در جهان، آهنگ‌ها و

۱. لیست سیمور مارتین، دایرة المعارف دموکراسی، ص ۷۰۷.

۲. پال وودراف، نخستین دموکراسی چالش اندیشه‌ای از دوران باستان، ص ۱۳.

۳. برنارد کریک، دموکراسی، ص ۳۳-۳۲-۳۱.

اشکال و ساختارهای متفاوتی به خود می‌گیرند و فرهنگ‌های تاریخی مختلف هم بر آنها تأثیر می‌گذارند و هم از آنها تأثیر می‌پذیرند.^۱

سخنان برنارد کریک به‌وضوح بر تطور و گذشت مراحل مختلف تاریخی دلالت دارد. طوری که نیازی به توضیح و تبیین سخن او در این باره دیده نمی‌شود.

در پایان این بخش از پاسخ، تذکر این نکته بسیار لازم است که اشتراک لفظی دموکراسی غربی با دموکراسی مورد حمایت اسلام‌گرایان، این تصور را به‌وجود آورده که نظریه دموکراسی اسلامی همان دموکراسی غربی است و تفاوت‌های دموکراسی مورد ادعای اسلام‌گرایان با دموکراسی غربی، مغفول مانده است.^۲ غربیان با پیش‌فرض‌های خود به دموکراسی رو آوردند و مسلمانان اسلام‌گرا با پیش‌فرض‌های خود به دموکراسی رو آوردند؛ بنابراین، پیش‌فرض‌ها موجب پیدایش قرائت‌های مختلف از دموکراسی شده است و بسیاری از اشکالات اسلام‌گرایان مخالف، ناظر به پیش‌فرض‌های غربیان است نه دموکراسی. قائلان به انطباق و سازگاری دموکراسی با اسلام، با پیش‌فرض‌های خود به دموکراسی رو آورده‌اند که لازمه آن نفی مبانی و پیش‌فرض‌های غربیان در پذیرش دموکراسی است. توضیح آنکه لازم نیست ما دموکراسی را همان‌گونه که در غرب و سرزمین مادری‌اش متولد شده است به اجرا درآوریم؛^۳ بنابراین ما می‌توانیم متناسب با دین و جامعه خود، نسخه جدیدی از دموکراسی با نام دموکراسی را ارائه کنیم که وجوه اشتراک و تفاوت‌هایی با دموکراسی غربی دارد. ذی‌حق دانستن مردم و احترام به آزادی

۱. همان.

۲. ابوبصیر طرطوسی نیز این مطلب را دریافته که اصطلاح دموکراسی معانی مختلفی می‌تواند داشته باشد و کاربران این اصطلاح هر یک می‌توانند معنای متفاوتی را اراده کنند، بنابراین شتاب و تسرع در حکم به تکفیر هواداران دموکراسی امری نارواست. طرطوسی ضمن اعتراض به سخن ابومحمد مقدسی بر این باور است که اگر کسی دموکراسی را به همان مفهوم کفرآلود غربی بپذیرد که مخلوق را الوهیت می‌بخشد بی تردید دینی غیر از اسلام را برگزیده است اما بسیاری از مسلمانان اصطلاح دموکراسی را بر زبان جاری می‌کنند اما معنای کفرآمیز دموکراسی را قصد و اراده نمی‌کنند بلکه از دموکراسی معانی همچون حریت و آزادی، مقابله با ظلم و دیکتاتوری، قهر و زور و... را اراده می‌کنند؛ به عنوان مثال شیخ علی طنطاوی در کتاب اخبار عمر صفحه ۱۹ تلویحا عمر بن خطاب را در زمره هواداران دموکراسی بیان کرده است؛ حال اگر کسی از شیخ علی طنطاوی سوال کند آیا مقصود شما از دموکراسی همان دموکراسی کفرآمیز جاری در بلاد غرب است؟ شیخ طنطاوی بدون شک چنین دموکراسی را رد خواهد کرد. روشن است این دسته از افراد از واژه و اصطلاح دموکراسی معنای کفرآمیز غربی را اراده نکرده‌اند و نمی‌توان به کفر آنان حکم کرد. (طرطوسی، ابوبصیر، تصویباتنا لرسالة هذه عقیدتنا لأخینا أبی محمد المقدسی، ص ۳ و ۴؛ طرطوسی، ابوبصیر، الأحكام السلطانية والسیاسة الشرعية، ص ۳۴۷).

۳. جمعی از نویسندگان، تجربه دموکراسی اسلام دموکراسی و جهان عرب، ص ۲۲.



فردی و جمعی از جمله اشتراکات دموکراسی غربی و دموکراسی اسلامی است؛ اما تفاوت‌ها از این قرارند که در دموکراسی غربی حاکمیت اولاً و بالذات از آن مردم است و خواست و رأی مردم به طور مطلق پذیرفته شده و ملاک عمل قرار می‌گیرد؛ در حالی که در دموکراسی اسلامی، حاکمیت، اولاً و بالذات از آن خداست و حاکمیت مردم در طول حاکمیت خداوند است و خواست و رأی مردم در صورت وقوع در چارچوب شریعت و سازگاری با دین پذیرفته می‌شود.^۱ با لحاظ قیودی که ذکر شد، می‌توان از منطبق نبودن دموکراسی با احکام الهی سخن گفت.

نتیجه‌گیری

در نسبت‌سنجی رابطه دموکراسی با آموزه‌های اسلام، منازعات و چالش‌های مهمی میان اسلام‌گرایان رخ داده است؛ لکن اصلی‌ترین نزاع بر سر رابطه دموکراسی با توحید حاکمیت است. این مسئله، زاییده ابهام در مفهوم دموکراسی است. گروه‌های وهابیت، القاعده و داعش بر این باورند که دموکراسی، دین است نه روش و وسیله؛ زیرا برای شناخت مفهوم و محدوده دموکراسی، به عرف و اصطلاح غربیان مراجعه می‌کنند و سکولاریسم، انسان‌محوری و قبول خواست اکثریت بدون هیچ قید و شرطی، ارکان و عناصر ذاتی و جوهری مفهوم دموکراسی می‌پندارند، طوری که زدودن این ارکان و عناصر از مفهوم دموکراسی، امکان‌پذیر نیست.

در مقابل، اسلام‌گرایان موافق دموکراسی، دموکراسی را صرفاً یک روش و وسیله می‌دانند نه دین، بنابراین روش دموکراسی با دین اسلام سازگار است؛ زیرا هیچ‌یک از سه عنصر مذکور در موضوع له دموکراسی اخذ نشده است. آنچه مخالفین گفته‌اند ناظر به یکی از اطلاق‌های رایج و مصادیق بارز کنونی دموکراسی است؛ لکن نباید به‌عنوان تنها اطلاق و موضوع له دموکراسی یا مصداق انحصاری دموکراسی تلقی شود.

اسلام‌گرایان موافق با دموکراسی می‌گویند: «ما نیز همچون شما دموکراسی همراه با سکولاریسم، انسان‌محوری و قبول خواست اکثریت بدون هیچ قید و شرطی را مردود و در مواردی کفر و شرک می‌دانیم؛ لکن دموکراسی اسلامی مورد ادعای ما از این سه

۱. نک: مهاجرنیا، محسن، فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، ص ۳۸۶-۳۸۴.

عنصر برئ و منزه است.»

اسلام‌گرایان مخالف دموکراسی در پاسخ به موافقین دموکراسی می‌گویند:

این ادعای شما صحیح نیست؛ لکن اگر فرض کنیم ادعای شما صحیح است در این صورت چه اصراری دارید که این نوع از حکومت را دموکراسی بنامید؟ چرا آن را حکومت اسلامی شورایی نمی‌خوانید؟ چرا از الفاظ شرعی اصیل بهره نمی‌برید و از الفاظ غربی استفاده می‌کنید که معانی متبادر از آنها همان معانی کفری و شرکی غربی است؟ بنابراین بسیاری از ردیه‌های اسلام‌گرایان موافق و مخالف دموکراسی که بدون توجه به محل نزاع اصلی نوشته شده است، از قبیل نزاع لفظی بوده است، نه نزاع حقیقی.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن تیمیه، حرانی، أحمد بن عبد الحلیم، مجموع الفتاوی، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، مدینه منوره: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۱۶هـ/۱۹۹۵م
۳. ابن قیم، جوزیه، محمد بن ابی بکر، إعلام الموقعین عن رب العالمین، تحقیق: محمد عبدالسلام ابراهیم، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۹۹۱م.
۴. ابونصر محمد بن عبدالله، تنویر الظلمات کشف مفاسد و شبهات الانتخابات، بی جا: مکتبه الفرقان، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۵. احمد الکاتب، التطور الفكر السياسي السني نحو خلافة ديمقراطية، بیروت: الانتشار العربی، چاپ اول، ۲۰۰۸م.
۶. احمد ولد الکورى العلوی الشنقیطی، فتنة الديمقراطية، بی جا: بی نا، بی تا.
۷. احمدی، حمید، جامعه شناسی سیاسی جنبش هاس اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۹۶ش.
۸. الاسدی، مختار، الديمقراطية و الدين و ولاية الفقيه، بیروت: الانتشار العربی، چاپ اول، ۲۰۰۹م.
۹. امام خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، تهران: دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۰ش.
۱۰. برنارد کریک، دموکراسی، تهران: انتشارات بصیرت، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
۱۱. برنجکار، رضا، درس توحید، تهران: انتشارات قدس، چاپ اول، ۱۳۹۵ش.
۱۲. بیات، عبدالرسول، فرهنگ واژه‌ها، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱ش.
۱۳. بیات، عبدالرسول، فرهنگ واژه‌ها، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱ش.
۱۴. پال ووداف، نخستین دموکراسی چالش اندیشه‌ای از دوران باستان، ترجمه: بهزاد قاسمی و سمانه فرهادی، تهران، نشر بیدگل، چاپ چهارم، ۱۳۹۹ش.
۱۵. تقوی، سید محمدناصر، دین و بنیادهای دموکراتیک، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
۱۶. توکلی، یعقوب، اسلام گرایی در مصر، تهران: سوره مهر، چاپ سوم، ۱۳۹۶ش.
۱۷. جمعی از نویسندگان، اطلس رهبران تصویری از صحنه رقابت داعیان مذهب در جهان اهل سنت، قم: نشر معارف، چاپ دوم، ۱۳۹۵ش.
۱۸. جمعی از نویسندگان، تجربه دموکراسی - اسلام دموکراسی و جهان عرب، تهران: یاداوران، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.

۱۹. جهانبخش، فروغ، اسلام دموکراسی و نوگرایی دینی در ایران از بازرگان تا سروش، تهران: گام نو، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۲۰. الحوالی، سفر، ثمرات التقوی، نرم افزار شاملة.
۲۱. الحوالی، سفر، حکم الإحتفال بأعیاد الکفار، نرم افزار شاملة.
۲۲. حیدر ابراهیم علی، التيارات الاسلامیة و قضیة الديمقراطية، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة، چاپ دوم، ۱۹۹۹م.
۲۳. خالد العنبری، فقه السیاسة الشرعیة، قاهره: دار المنهاج، ۲۰۰۴م.
۲۴. ذاکر اصفهانی، علی رضا، مجله کتاب نقد، ش ۲۰ - ۲۱، دموکراسی قدیم و جدید نقاط اشتراک و افتراق.
۲۵. سید امام شریف، الجامع فی طلب العلم الشریف، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۶. شیخ نعیم قاسم، حزب الله لبنان خط مشی گذشته و آینده آن، ترجمه: محمد مهدی شریعتمدار، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۸۷ش.
۲۷. الصلابی، علی محمد، الشوری فریضة اسلامیة، قاهره: مؤسسة اقرا، چاپ اول، ۲۰۱۰م.
۲۸. طاهری، محمد حنیف، اسلام و دموکراسی لیبرال، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
۲۹. طرطوسی، ابوبصیر، الأحكام السلطانیة والسیاسة الشرعیة، بی جا: بی نا، بی تا.
۳۰. طرطوسی، ابوبصیر، تصویباتنا لرسالة هذه عقیدتنا لأخینا أبی محمد المقدسی، بی جا: بی نا، بی تا.
۳۱. عبدالرحمن مصطفی، الديمقراطية و علاقتها بالاسلام، بی جا: بی نا، چاپ اول، ۱۴۳۷ق.
۳۲. عبدالعزيز عبدالسلام، الدین و الدولة فی الاسلام، تحقیق: هانی علی حواس، بی جا: چاپ اول، ۲۰۱۲م.
۳۳. عزمی بشارة، فی الاجابة عن سوال ما السلفية، بیروت: المركز العربی للابحاث و دراسة السیاسات، چاپ اول، ۲۰۱۸م.
۳۴. علی بن خضیر، تیسیر العزیز الحمید شرح کتاب الحقائق فی التوحید، نرم افزار شاملة.
۳۵. علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ سیاسی آرش، تهران: نشر آشیان، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ش.
۳۶. غیور، سورنسن، الديمقراطية و التحول الديمقراطي السیورورات و المامول فی عالم متغیر، ترجمه: عفاف البطیئة، بیروت: المركز العربی للابحاث و دراسة السیاسات، چاپ اول، ۲۰۱۵م.
۳۷. فهد صالح العجلان، الإنتخابات و أحكامها فی الفقه الإسلامی، ریاض: دارکنوزاشبیلیا، ۱۴۲۹ق.
۳۸. قرضاوی، یوسف، بینات الحل الإسلامی و شبهات العلمانیین و المتغیرین، بی جا: چاپ اول، ۱۹۹۳م.



٣٩. قرضاوى، يوسف، من فقه الدولة فى الاسلام، قاهره: دارالشروق، چاپ سوم، ٢٠٠١م.
٤٠. لپست سيمور مارتين، دائرة المعارف دموكراسى، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ١٣٨٣ش.
٤١. مجلة النبأ، شماره ١٢٨.
٤٢. مجلة كتاب نقد: پاييز و زمستان ١٣٨٠، شماره ٢٠ و ٢١.
٤٣. محمد ابورمان و نفين بندجى، من الخلافة الاسلامية الى الدولة المدنية الاسلامية الشباب و الربيع العربى، عمان: مؤسسه فيدريش ايرت، ٢٠١٨م.
٤٤. محمد ابورمان، الاصلاح السياسى فى الفكر الاسلامى، بيروت: الشبكة العربية للابحاث و النشر، بى جا: بى نا، چاپ اول، ٢٠١٠م.
٤٥. محمد ابورمان، السلفيون و الربيع العربى سؤال الدين و الديمقراطية فى السياسة العربية، بيروت: مركز الدراسات الوحه العربية، چاپ اول، ٢٠١٣م.
٤٦. معتز بالله عبدالفتاح، المسلمون و الديمقراطية دراسة ميدانية، قاهره: دارالشروق، چاپ اول، ٢٠٠٨م.
٤٧. مقبل بن هادى الوادعى، تحفة المجيب على أسئلة الحاضر والغريب، صنعاء: دار الآثار، ٢٠٠٢م
٤٨. مقبل بن هادى الوادعى، قمع المعاند و زجر الحاقد الحاسد، دماج: دار الحديث، ١٩٩٣م.
٤٩. مودودى، ابوالاعلى، الخلافة و الملك، كويت: دارالقلم، چاپ اول، ١٩٧٨م.
٥٠. مهاجرنيا، محسن، فلسفه سياسى آيت الله خامنه اى، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامى، چاپ اول، ١٣٩٣ش.
٥١. مير احمدى، منصور، اسلام و دموكراسى مشورتى، تهران: نشر نى، چاپ اول، ١٣٨٤ش.
٥٢. وليد نويهض، العقد السياسى الاسلاميون و الدولة و المسالة الديمقراطية، ١٩٨٤-١٩٩٦م، منامه: شركة دارالوسط للنشر و التوزيع، چاپ دوم، ٢٠٠٩م.
٥٣. وليد نويهض، العقد السياسى الاسلاميون و الدولة و المسالة الديمقراطية، ١٩٨٤-١٩٩٦م، ص ٢٦.
٥٤. يحيى بن على الحجورى، المبادئ المفيدة فى التوحيد و الفقه و العقيدة، صنعاء: چاپ هفتم، ١٤٣٧ق.

٥٥. <https://www.dar-alifta.org>

٥٦. <https://t.me/qtnour۱۲۳/۳۱۷۹>